

## نخيل نيوز

مريوان حلبه ءئي؛ ثلاثة عقود من الترجمة بين ثقافتين



نخيل نيوز / خاص

إعداد / الكاتب والمترجم فاضل علي

في الذكرى الخامسة والعشرين لتأسيس المؤسسة البحثية-الثقافية موكرياني، والتي أقيمت يوم الثلاثاء في فندق "أربيل نو"، مُنحت جائزة «ربع قرن من الترجمة الأدبية» للمترجم مريوان حلبه ءئي؛ الرجل الذي نسج خلال أكثر من ثلاثين عاماً جسراً حياً بين الأدب الكردي والأدب الفارسي.

النشأة والبدايات

وُلد حلبه ءئي في السابع من أيلول عام 1979 بمدينة حلبه الشهيدة . لم يكد يبلغ السابعة حتى شهد فاجعة القصف الكيمياوي من قبل عصابات البعث ب بقيادة الديكتاتور العصر صدام حسين على مدينته، فاضطر مع عائلته إلى اللجوء في إيران. هناك تنقّل بين طهران وكرمانشاه، وخاض رحلة علاج ومعاناة كانت مقدمة لدخوله عالم الثقافة والكتابة. لاحقاً نال شهادة البكالوريوس في الإعلام/ الصحافة، ويواصل اليوم دراسته العليا في العلوم الإنسانية بجامعة "التحقيقات" في طهران.

يضم رصيده الأدبي أكثر من 64 كتاباً مترجماً بين الكردية والفارسية. من أبرزها: آخر الرمان الدنيا ودرياس والجثث لبختيار علي، القلعة وكلاب أبي لشيرزاد حسن، إضافةً إلى مختارات شعرية لشيركو بكس، لطيف هلمت، ورفيق صابر. وفي المقابل، نقل إلى الكردية أعمالاً مسرحية لكتّاب إيرانيين بارزين، مثل بهرام بيضائي وغلماحسين ساعدي ومحمد يعقوبي، مساهماً في ترسيخ حوار متبادل بين الثقافتين.

### نشاط صحفي وثقافي

لم يقتصر عطاؤه على الترجمة، إذ نشر أكثر من مئة مقال بالعربية والكردية، وأجرى حوارات مع كبار الشعراء والكتّاب في إيران والعراق. وهو أيضاً رئيس تحرير مجلة «لاوي نو» الثقافية-الأدبية التي صدر منها حتى الآن أكثر من ثمانين عدداً.

### تكريم للاستمرار

جائزة «ربع قرن من الترجمة الأدبية» التي مُنحت له في أربيل ليست تكريماً فردياً وحسب، بل إقراراً بقيمة جيل كامل من المثقفين الذين حافظوا على اللغة كملاد للثقافة والهوية. وقد شهدت الفعالية كلمات للروائي كاروان عبدالله، مدير مؤسسة موكرياني، والكاتب د. سالار عثمان، حيث أشارا إلى دور الترجمة في ازدهار الثقافة. كما عُقدت ندوات تناولت موضوعات راهنة مثل «تأثير الذكاء الاصطناعي على اللغة» و«أهمية الثقافة في إثراء التعبير اللغوي».

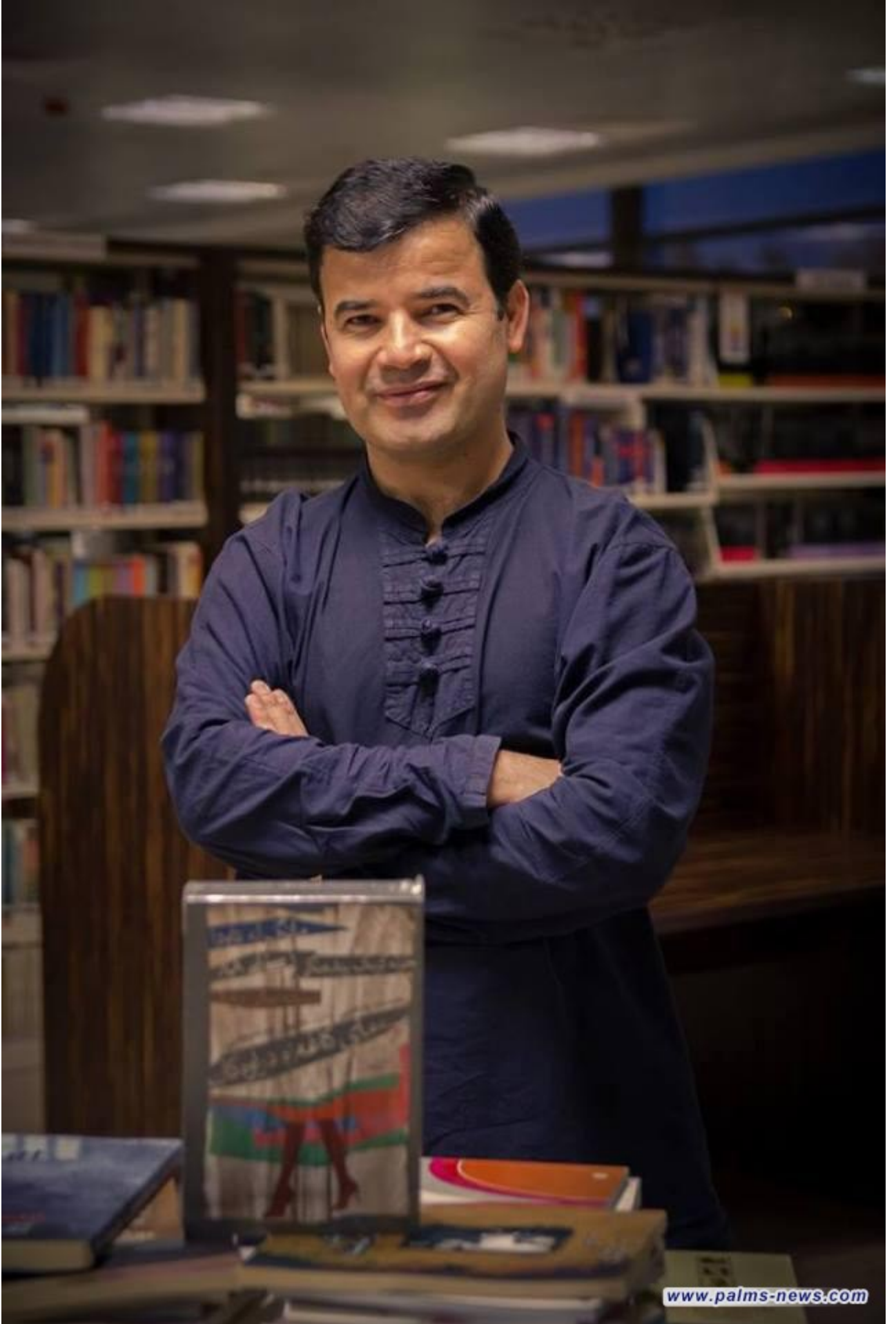
### أبعد من الحدود

اليوم يُعدّ مريوان حلبه نبي واحدًا من أكثر المترجمين إنتاجاً في نقل الأدب الكوردي إلى الفارسية والعكس. لقد أثبت أن الترجمة ليست مجرد نقل كلمات، بل إعادة بعث لروح النصوص في لغة أخرى، ومنحها حياة جديدة.

### نظرة مستقبلية

إن تكريم حلبه نبي يفتح الأفق أمام جيل جديد من المترجمين، مؤكداً أن الترجمة مشروع ثقافي ممتد، يتجاوز حدود التقنية والذكاء الاصطناعي. فالترجمة، في جوهرها، فعل إنساني يحمل ذاكرة الشعوب ويصوغ جسور التلاقي بينها. وهي بذلك تظل أداة للحوار والثراء الثقافي، وضمانة لكتابة مستقبل أكثر انفتاحاً وتواصلًا بين الأمم.

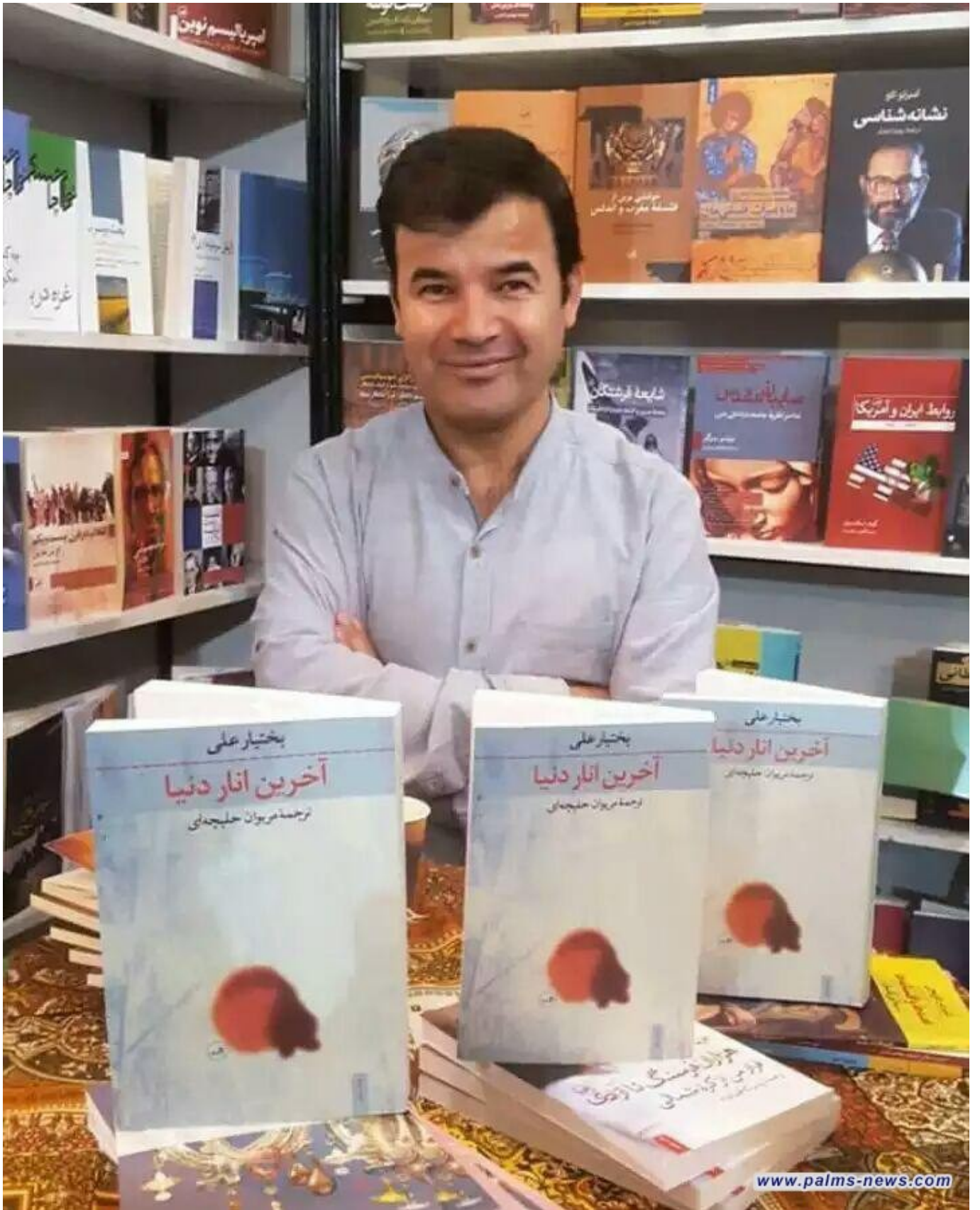




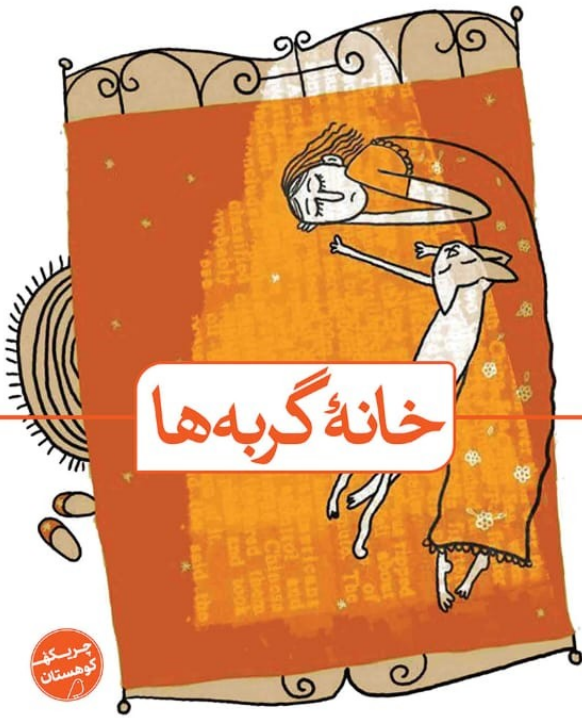








هیاوا قادر  
ترجمهٔ مریوان حلبچه‌ای



هیاوا قادر

خانه گریه‌ها

ترجمهٔ مریوان حلبچه‌ای



گفت: «مردمان باستان معتقد بودند گریه‌ها نه روح دارند، چون خودشان با یک روح نمی‌توانستند در برابر بیماری‌ها و فجایع طبیعی مقاومت کنند؛ همین که به آن‌ها مبتلا می‌شدند، زود می‌مردند ولی گریه‌ها در مقابل بیش‌تر آن فجایع مقاومت کرده‌اند و تا امروز مانده‌اند. انسان با تمام نیروها و ادیانی که به آن‌ها ایمان داشته است، فقط دو روح دارد: یکی که متعلق به این دنیاست و شکی در آن نیست، دیگری هم که ادیان باور دارند دوباره زنده می‌شود، شبهه‌ناک است. علاوه بر این‌ها گریه همیشه هنگام سقوط با پا روی زمین می‌افتد، ولی آدم با همهٔ زوایای اعضای بدنش می‌افتد. اگر نه بار گریه‌ای را از آپارتمانی پایین بیندازید، هر نه بار خودش را روی پا نگه می‌دارد و شاید بار نهم بمیرد، ولی آدمی فقط یک بار می‌تواند مقاومت کند و معلوم هم نیست به کدام سو و چگونه روی زمین می‌افتد، اما چیزی که معلوم است این است که به احتمال بسیار زیاد می‌میرد.»  
گفتم: «به نظر می‌آید یک روح هم برای آدمی زیاد باشد.»  
«چرا؟»  
«چون زندگی آسان نیست.»



\* چریکه کوهستان: داستان‌های کردی

www.palms-news.com

جهان  
جهان  
جهان

بختيار علی

خنده غمگين ترت مي کند

ترجمه مريوان حلبچه اي



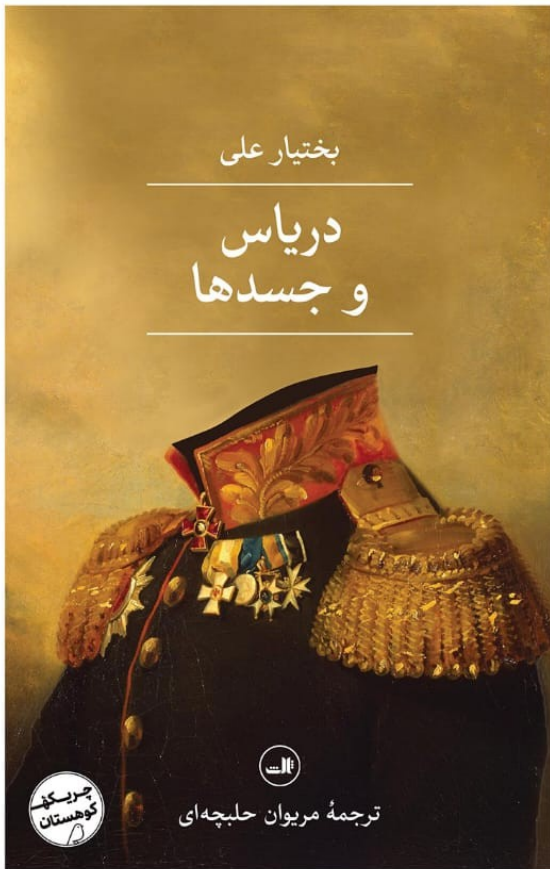
که تو از ازل غمگين بودی، خنده غمگين ترت مي کند.  
که تو از ازل تنها بودی، خنده تنهاترت مي کند.  
آنکه چون من با دردی ژرف به زمين آمده باشد،  
با خنده خوشبخت نمي شود.



# خنده غمگين ترت مي کند

بختيار علی (ت)

ترجمه مريوان حلبچه اي



بختیار علی

در یاس و جسدها

ترجمهٔ مریوان حلبچه‌ای



نمی‌شود کار بختیار علی را به معنای عادی خواندن، خواند. آدم در داستان‌های عظیم او غرق می‌شود. می‌غلند درون گردابی از تصاویر، صحنه‌ها، شخصیت‌ها و تخیلات عمیق و حکایت و افسانه که مخاطب را سرسست می‌کند.

وقتی ربانی از بختیار علی را دست می‌گیرید در دنیای فراسوی کتاب گم می‌شوید.

آنجل شادو، توبه نژو ریشه نژایتونگ

بختیار علی در آثارش نه فقط مهربانانه به قربانی‌ها نگاه نمی‌کند، بلکه بی‌آنکه عذرخواه کسی باشد، نشانمان می‌هد که چقدر مرز بین قربانی و جلاذ باریک است.

اشفان شترکار، دی رای ما اشتوتگارت



\* چریکه کوهستان، داستان‌های گُردی



بختیار علی

به دوزخ... ای بی گناهان

ترجمه مریوان حلبچه‌ای



مصطفی رهبر «وای خدایا، در چه شرایطی قرار گرفته‌ایم، هیچ کدامان قادر به تشخیص راست و دروغ از هم نیستیم.»  
 جمیله «درست است، بله درست است. به خاطر گناهان نکرده مجازات می‌شویم و به خاطر گناهان حقیقی مان پاداش می‌گیریم.»  
 مصطفی رهبر «جمیله یقین دارم هرگز هیچ کدام از ما به پاسخ این پرسش دست نخواهیم یافت؛ ما گناهکاریم یا بی‌گناه؟»

ISBN: 978-605-733-6-9  
 9786004057356  
 نالت

مجموعه باغ آلالو (نمایشنامه)

www.palms-news.com



فرهاد پیربال

حاشیه نشین های اروپا

ترجمه مریوان حلبچه‌ای



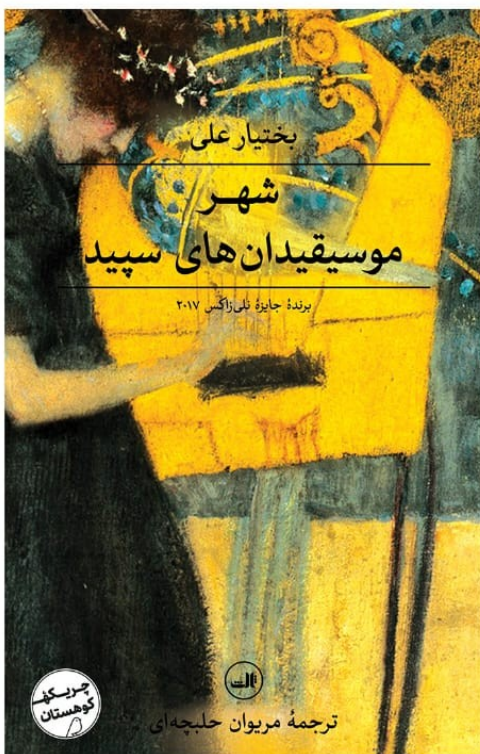
حاشیه نشین های اروپا راوی قصه هایی از مهاجران کرد مقیم اروپاست؛ آواره و دور از وطن و غرق در تنهایی غرب. فرهاد پیربال کوشیده است از ادبیات به شدت فرمالیست خود ابزاری بسازد تا تصویرگر وجوه گوناگون زندگی مهاجران شرقی باشد.

وقتی برگشتم خانه، می خواستم بروم چمدان و کوله ام را ببندم تا فردا صبح راهی جبهه شوم.  
ناگهان متوجه شدم که پای راست گمشده ام برایم نامه ای فرستاده. سراسیمه نامه را باز کردم. داشتم از خوشحالی پر در می آوردم.  
پای راست گمشده ام توی نامه نوشته بود، چند روز پیش پلیس توی بازار از او کارت شناسایی خواسته، او هم که هیچ شناسنامه ای نداشته نزد پلیس ها فراری قلمداد شده، گفته اند چون کرد است و فرار کرده بی درنگ باید او را بفرستیم جبهه. او هم در بازار از دست مأمورها فرار کرده، همین طور بی وقفه تا بغداد دویده، آنجا هم شناسنامه ای جعلی جور می کند و به گاراژ کندی می رود و سوار مینی بوس می شود و برمی گردد به هولیر.



\* چریکه کوهستان، داستان های کُردی

www.palms-news.com



بختيار علی

موسیقیدان های سپید

ترجمه مریوان حلبچه‌ای

موسیقیدان ها باید در زمان جنگ هم موسیقیدان باقی بمانند. کسی که به دنبال آهنگی جاودانه می گردد، نباید خسته شود. جنگ و مرگ و درد همیشه بوده و خواهد بود. موسیقیدان درون روح ما هم باید همیشه باشد، این موسیقیدان درون ما موجودی مستقل از هستی نیست. او در دل این جنگ هم حضور دارد. دقتی که او دنبالش می گردد، در یکی از پستی و بلندی های تاریخ همین دنیا است. موسیقی نمی تواند ما را از این دود و ویرانی نجات دهد. موسیقی خودش در دل این ویرانه هاست، باید از همین جا بگذرد، چاره دیگری ندارد، موسیقیدان باید بتواند در دوزخ هم زندگی کند، من سال های سال سوای این را داشتم که موسیقی را از دنیا و سستیها و خرابی های دور نگه دارم؛ نگذارم آهنگ در در گلولی فلوم برود، اجازه ندهم این زمین لرزه های بزرگ دست مرا بلرزاند، اما نمی شود. وقتی هوای پاک در زمین نیست، موسیقیدان باید بپذیرد که از زهر هم موسیقی بسازد.



\* چریکه کوهستان، داستان های کُردی

www.palms-news.com

بختيار علی

# آخرین انار دنیا

ترجمهٔ مریوان حلبچه‌ای

آخرین انار دنیا • بختيار علی • ترجمهٔ مریوان حلبچه‌ای



صدسال یکبار کسی چون او به دنیا می‌آید. بختيار علی دنیای تازه‌ای وارد ادبیات کردی کرد. او به تنهایی کار چندین نویسنده را انجام می‌دهد.

شیرکو بی‌کس

بختيار علی، ابراهیمی بود که آمد و بت‌ها را شکست و بک‌تنه کار بسیار عظیمی را به انجام رساند. به نظر من او شایستهٔ نوبل ادبیات است.

شیرزاد حسن



www.palms-news.com



بختیار علی

به دوزخ... ای بی گناهان

ترجمه مریوان حلبچه‌ای



مصطفی رهبر «وای خدایا، در چه شرایطی قرار گرفته‌ایم، هیچ کدامان قادر به تشخیص راست و دروغ از هم نیستیم.»  
 جمیله «درست است، بله درست است. به خاطر گناهان نکرده مجازات می‌شویم و به خاطر گناهان حقیقی مان پاداش می‌گیریم.»  
 مصطفی رهبر «جمیله یقین دارم هرگز هیچ کدام از ما به پاسخ این پرسش دست نخواهیم یافت؛ ما گناهکاریم یا بی‌گناه؟»

ISBN: 978-605-733-6-6  
 پالت 9786004057356  
 مجموعه باغ آلالو (نمایشنامه)

www.palms-news.com



نالت

شیرزاد حسن  
ترجمه مریوان حلبچه‌ای

شیرزاد حسن

خداحافظ دلدادگی

ترجمه مریوان حلبچه‌ای

پالمت

من برای خودم زنده‌ام یا تو؟ آیا مالک تن خودم هستم؟ چشم و دهان و لب و دست و پا و گوش و زبان و آن‌ها برای من زنده‌اند یا من برای آن‌ها؟ یا همه وجودم، با تمام اعضای بدنم دوست دارم. خب بدون این وجود، بیرون از این تن چه هستم؟ چرا به جای من به چشمانت نگاه می‌کنی؟ چرا به جای تو به چشمانت نگاه می‌کنم؟ چرا باید خودم نتوانم چشمان خودم را ببینم؟ یا دست خودم دست‌هایم را لمس کنم؟ یا زبانم همه چیز را بچشم در حالی که زبانم نتواند خودش را بچشد؟ برای خودم زنده‌ام یا به خاطر تو؟

# خداحافظ دلدادگی



\*چریکه کوهرستان، داستان‌های کروی

www.palms-news.com